

# حقوق همسایگان در سیره و سخن نبوی

<?xml encoding="UTF-8">

## ضرورت بحث

پس از خانواده که کوچک ترین و اساسی ترین تشکّل اجتماعی انسان ها به شمار می آید، افرادی که در یک محل گرد هم می آیند و با یکدیگر همسایه می شوند با وحدت، وفاق و معاشرت ها و روابط عاطفی می توانند پاسدار بُعد انسانی و ارزشی و ضامن استحکام و استواری واحد اجتماعی خویش باشند.

اسلام برای همسایگان همچون خویشاوندان، حقوقی قایل شده که اگر کسی بخواهد آن ها را نادیده انگارد یا ضایع نماید، گناهکار، خاطی و متجاوز است. در آیه 36 از سوره نساء، خداوند از انسان مسلمان و بنده راستین و با اخلاص خود می خواهد که پس از اطاعت و عبادت او، حقّ بندگان دیگر و آداب معاشرت را مراعات کند و در واقع طبق این آیه، خداوند نسبت به حقّ خویش و حقوق انسان ها ده فرمان بسیار مهم صادر نموده است که بند ششم و هفتم آن، در خصوص همسایگان دور و نزدیک است که اولاً رعایت حقوق آنان طبق مفاد این آیه، عمل نمودن فرمان واجب الهی است و ثانیاً این رفتار در ردیف پرستش خداوند و شرک نوزیدن به او آمده است. مفسرین برای «جار ذی القربی» و «جار جنب» که در این آیه آمده، بررسی های گوناگونی ارائه داده اند. 1 به همین دلیل، امام صادق علیه السلام فرموده است:

«علیکم بحسن الجوار فانّ الله عزّوجلّ امر بذلک2؛ بر شما باد به خوش همسایگی پس به درستی که خداوند بدان امر کرده است». آن فروغ فروزان در فرموده ای دیگر شیعیان را به این موضوع توجه داده است:

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای پرهیزگاری، اهتمام در راه دین، راستی در گفتار، ادای امانت، سجده طولانی و خوش رفتاری نسبت به همسایه، مبعوث شده اند.» 3

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز به مسلمین توصیه نموده اند: «اگر خواستار آن هستید که پروردگار و فرستاده اش شما را دوست بدارند، وقتی امانتی به شما سپردند آن را ادا کنید و در سخن و گفتار صداقت را در نظر داشته و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید.» 4

## حدّ همسایگی، حقوق همسایگان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خصوص حدّ همسایگی فرموده اند: «کلّ اربعین داراً جیران من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله5؛ تا چهل خانه از رو به رو، پشت سر، طرف راست و سمت چپ، همسایه محسوب می گردند.» از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در باره حدّ همسایگی سؤال شد، فرمودند: «حدّ الجوار اربعون داراً6؛ حدّ همسایگی چهل خانه است.» ابن قدامه روایت مرسله ای از عایشه نقل کرده که در آن آمده است از نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از حدّ همسایگی سؤال شد که همین جواب را دادند. 7

امام صادق علیه السلام فرموده است: مردی از انصار نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آمد و عرض کرد:

خانه ای از فامیلی خریده ام و نزدیک ترین همسایه ام کسی است که به خیرش امیدی ندارم و از شرش هم مصون نمی باشم. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت علی علیه السلام و ابوذر فرمود: که در مسجد فریاد بزنند: «ایمان ندارد کسی که همسایه او از شرش در امان نیست.» پس سه بار این مطلب را گفتند. بعد از آن با دست خود اشاره فرمودند تا چهل خانه از پس و پیش و راست و چپ.8

اگر مردم این توصیه ها را مراعات کنند و وظایف خویش را در مورد همسایگان تا چهل خانه انجام دهند و حقوق متقابل در مورد این چهل خانه رعایت شود، مردمی که در شهرک ها، محله ها، روستاها و چادرهای عشایری زندگی می کنند، تا مسافت قابل ملاحظه ای به دلیل رفتارهای پسندیده نسبت به همدیگر از زندگی توأم با آرامش، مودت، اطمینان و اعتماد متقابل برخوردار خواهند شد و چنین پدیده ای بر رشد عاطفی، فرهنگی، بهبود ساختار اجتماعی و اقتصادی این نواحی اثر خود را خواهد بخشید. و افراد بسیاری قادرند دشواری ها و ناملایمات را پشت سر نهند یا در هنگام گرفتاری ها به یاری هم بشتابند و از معضلات زندگی یک دیگر گره گشایی کنند. البته یادآوری می گردد افرادی که در همسایگی ما به سر می برند، بنا به اعتقادات و خویشاوندی، بر سه دسته قرار می گیرند. چنانچه در روایتی آمده است:

«قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم الجیران ثلاثة جَارٌ له حَقٌّ واحد و جَارٌ له ثلاثة حقوق و جَارٌ له حَقَّان فالجار الذی له ثلاث حقوق الجار المسلم ذو الرِّحم فله حَقُّ الجوار و حَقُّ الاسلام و حَقُّ الرِّحم و اما الذی له حَقَّان فالجار المسلم له حَقُّ الجوار و حَقُّ الاسلام و اما الذی حَقٌّ واحد فالجار المشرک.»9

نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: همسایگان به سه دسته تقسیم می شوند: نخست، همسایه ای که در سه محور برگردن ما حق دارد؛ حق همسایگی، حق خویشاوندی و حق اسلام (برادر دینی)، دوم، همسایه ای که دارای دو حق است؛ حق همسایگی و حق برادر ایمانی. سوم، همسایه ای که دارای حق همسایگی است و آن، همسایه مشرک می باشد.

در نهج الفصاحه به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آمده است: پس همسایه ای که یک حق دارد، او کم حق ترین همسایگان است.10

در روایت دیگر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است - پس از دسته بندی همسایگان به سه گروه مورد اشاره - در خصوص همسایه ای که یک حق دارد، آمده است:

«ومنهم من له حق واحد الکافر له حَقُّ الجوار11؛ دسته ای تنها یک حق دارند و آن، کافر است که وظیفه ماست حق همسایگی را نسبت به وی مراعات کنیم.»

ملاحسن فیض کاشانی می گوید: پس بنگر که چگونه برای فرد غیر مسلمان به محض همسایگی، حقوقی ثبت گردیده است!12

دقت در این تقسیم بندی، مؤید آن است که تعهد و مسئولیت ما تا حدی در مورد همسایگان فراگیر است که حتی اگر کافر یا مشرکی در جوار ما مسکن داشته باشد، در ارتباط با او باید وظایف حقوقی، اخلاقی و رفتاری خود را انجام دهیم و کوتاهی در عملی ساختن حقوق مذکور، بیانگر خللی در جنبه های اخلاقی و معاشرت ماست.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: دانی که حق همسایگی چیست؟ سوگند به خدایی که جان محمد در ید قدرت و فرمان اوست، به حق همسایه نرسد جز کسی که خداوند بر وی رحمت کرده باشد.13

خاتم رسولان صلی الله علیه و آله وسلم در تشریح حق همسایه فرموده است:

«حَقُّ الْجَارِ إِنْ مَرَضَ عُدَّتُهُ وَ إِنْ مَاتَ شَيَّعَتْهُ وَ إِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضَتْهُ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأَتْهُ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ

عَزَّيْتَهُ وَ لَا تَرْفَعُ بِنَاءَكَ فَوْقَ بِنَائِهِ فَتَسُدُّ عَلَيْهِ الرِّيحَ» 14

حق همسایه آن است که اگر بیماری به وی روی آورد، عیادتش نمایی و اگر مرگش فرا رسید، در تشییع جنازه او شرکت کنی و اگر از تو قرض خواست، از پرداخت آن امتناع نکنی و اگر شادمانی در زندگی اش رخ داد، بر او تبریک گویی و در مصائب و ناگواری ها و در ناراحتی های او شریک باشی و بنای خویش را از کلبه وی فراتر نبرده و او را از نسیم هوا محروم نکنی.

و در حدیث دیگری ضمن اشاره به این موارد، تأکید شده: «چون میوه ای خریدی، مقداری به او هدیه دهی و اگر نمی خواهی این کار را کنی، آن میوه را پنهانی به منزل ببر و فرزندت را همراه میوه (در حال خوردن میوه) بیرون خانه نفرست که فرزند او آزرده شود. و بوی غذایت او را آزرده نکند (از این که نمی تواند آن غذا را فراهم سازد، ناراحت نشود). مگر این که مقداری برایش بفرستی.» 15

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هشدار داده اند: هرکه خانه ای بنا کند که مردم ببینند و بشنوند، در روز قیامت آن خانه را تا طبقه هفتم زمین از آتش پرنموده و در گردنش اندازند و هیچ چیز او را ننگه ندارد تا به قعر جهنم فرو غلتد. پرسیدند: یا رسول الله! ساختن خانه برای ریا یعنی چه؟ فرمودند: یعنی بیش از میزان نیاز و حاجت، ساخته است تا بدین وسیله بر همسایگان مباهات کند و بر برادران دینی فخر فروشد. 16

نقل کرده اند که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم همراه صحابه از جایی عبور می کردند، ساختمان بزرگ قبه مانندی را دید و پرسید: این بنا به چه کسی تعلق دارد؟ گفتند: از آن مردی انصاری است. بعد از چند روزی صاحب خانه مزبور به محضر آن بزرگوار شرفیاب گردید، حضرت از وی روی برتافت؛ متوجه شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از دست وی ناراحت شده است، دلیل آن را از برخی صحابه جویا شد، آن ها ماجرای ساختمانی را که وی احداث کرده، مطرح کردند. او هم برگشت و بنای مورد اشاره را تخریب کرد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم وقتی بنای تخریب شده را مشاهده کرد، شادمان گشت و فرمود: این گونه بناها برای ساکنان محل و سایه همسایگان ایجاد زحمت می کند 17؛ البته ساختمان وسیع اشکالی ندارد ولی در میان بناهای محقر و کلبه های فقیران، احداث ساختمای مجلل هم از لحاظ زندگی عادی همسایگان را ناراحت می کند و هم اوضاع عاطفی و مناسبت های آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. خانه های با ارتفاع زیاد در میان مساکن کم ارتفاع غیر از آن که صاحبش را دچار کبر و غرور می کند و طبق روایات متعدد، منزلگاه شیطان است، برخانه های دیگران اشراف پیدا کرده و زمینه های نگاه حرام و تیره های زهرآگین گناه را فراهم می سازد؛ هوس ها را تحریک می کند و گاهی موجب خلاف های خطرناکی می شود که امکان دارد آبروی صاحب خانه را ببرد. برافراشتن خانه ای مرتفع و مجلل در میان بناهای عادی، خود نشانه ای از تفرقه و پراکندگی هم است.

## اول همسایه، بعد خانه

یکی از پدیده هایی که در روابط همسایگان دخالت دارد و می تواند بر مناسبات متقابل آنان اثر بگذارد، منزل مسکونی است. دیدگاه اسلامی براین نکته اصرار می ورزد که همسایگان در آرامش و آسایش اهل خانه دخالت دارند و حتی می توانند بر رشد عاطفی، اخلاقی و فکری والدین و فرزندان اثر بگذارند. از این جهت، قبل از انتخاب خانه ای در هر محله ای، لازم است اوضاع همسایگان و مجاورین منزل مورد نظر، بررسی شود و از صلاح بودن افرادی که می خواهیم در کنارشان زندگی کنیم و احیاناً با آنان رفت و آمد داشته باشیم، اطمینان حاصل نماییم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به پیروان آیین اسلام تأکید می فرماید: «إِلْتِمِسُوا الْجَارَ قَبْلَ شَرِّ الدَّارِ» 18؛

قبل از خرید خانه در باره همسایه تحقیق کنید.»

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با الهام از این سخن پدر والا تبارشان خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده اند: «یا بنی! الجار ثم الدار<sup>19</sup>؛ ای فرزندم! اول همسایه، بعد خانه.» رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: از خوشبختی مسلمان وسعت خانه، همسایه خوب و مرکب راهوار است.<sup>20</sup>

علامه مجلسی این روایت را با اندکی تفاوت در کتاب حلیۃ المتقین آورده است. خاتم پیامبران خوش یمنی و مبارکی زن، مسکن و مرکب را در روایتی بیان فرموده و در فرازی از این سخن پر فروغ، مسکنی را مبارک دانسته اند که وسیع بوده و اهل آن از همسایگانی خوب برخوردارند و خانه ای را شوم دانسته اند که محقر و تنگ بوده و اهل آن از دست همسایگان بد در رنج و عذابند.<sup>21</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در بیانی نورانی فرموده است: وقتی دو نفر تو را در یک زمان دعوت کردند، دعوت کسی را که خانه اش به تو نزدیک تر است بپذیر؛ زیرا کسی که منزلش در قُرب خانه ات قرار دارد، در همسایگی مقدم است.<sup>22</sup>

حفظ حُرمت همسایه و توجه داشتن به ارزش های انسانی وی، از وظایف اخلاقی و وجدانی همسایگان است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم چنین گوهر افشانی کرده اند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ الْجَارَ<sup>23</sup>؛ هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید همسایه اش را حُرمت نهد و اکرام نماید.»

امام ششم از پدرش امام باقر علیه السلام نقل کرده است که در کتاب حضرت علی علیه السلام چنین خواندم که: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «همسایه همچون نفس انسان است و نباید خُسْرانی متوجه او شود و روا نیست (بی دلیل) مجرم تلقی گردد. و حُرمت همسایه با احترام مادر در یک ردیف است.»<sup>24</sup> همچنین از آن حضرت روایت شده که: «حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ<sup>25</sup>؛ حُرمت همسایه بر همسایه، همچون حُرمت خون است.»

احساس تعهد و مسئولیت در مقابل همسایگان، از وظایف دیگر ماست که در منابع روایی به آن سفارش شده است. چنان چه حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: شایستگان (برگزیدگان) شما، صاحبان خرد (شخصیت) هستند. سؤال شد: صاحبان خرد چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان صاحبان اخلاق نیکو، بردباری های متین، صله ارحام، نیکی به پدر و مادر و متعهدان نسبت به همسایگان و یتیمان بوده، اطعام کرده، سلام کردن را ترویج می نمایند و نماز می گذارند در حالی که مردم در خواب غفلت فرو رفته اند.<sup>26</sup>

اگر خواستیم منزل مسکونی خود را در معرض فروش قرار دهیم، بهتر است که این موضوع را با همسایگان مطرح کنیم تا اگر طالب آن هستند، به خرید خانه ما مبادرت ورزند. زیرا به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم همسایه در خرید خانه بر دیگران برتری و اولویت دارد.<sup>27</sup>

در بیانی دیگر، آن حضرت تأکید نموده اند: وقتی کسی تمایل به فروش زمین یا منزلی دارد باید نخست به همسایه خود پیشنهاد کند.<sup>28</sup>

جابر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هرکه در بوستانی شریکی یا همسایه ای دارد نباید قبل از آن که با او در میان بگذارد، آن را بفروشد.<sup>29</sup>

## نیکی به همسایه

از مواردی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در سخنان متعدد و موقعیت های گوناگون مورد تأکید و توجه قرار داده اند. آن حضرت به مسلمانان توصیه نموده اند: اگر خواستار آن هستید که پروردگار و فرستاده اش شما را دوست بدارند... با همسایگان به نیکی رفتار کنید. 30

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند که: همسایه ای که با همسایه خود خوش رفتاری نماید، ایمان دارد. 31 و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید فرموده اند: آنچه برای خود می خواهی، برای مردم بخواه تا مؤمن باشی. و با همسایگان نیکی کن تا در زمره مسلمانان به شمار آیی. 32 رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چهار چیز را عامل زیادی رزق و روزی دانسته اند: خوش خلقی، خوش سلوکی با همسایگان، امتناع از آزار مردم و کاهش بی قراری و نگرانی در هنگام ناملايمات و عوامل اندوه آور روزگار. 33 و نیز از آن حضرت روایت شده است که: رحمت الهی به فرزندی باد که والدین خود را در نیکی یاری کند. و رحمت بر پدری که فرزند خویش را در نیکی کمک کند و بر همسایه ای که در کارهای خوب یار همسایه خود باشد.

جعفر بن ابی طالب - که همراه عده ای از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به سرزمین حبشه مهاجرت نمود تا از یک سو به تبلیغات دینی پرداخته و از طرف دیگر برای مدتی از فشارهای مشرکان مکه در امان باشند - به عنوان سخنگو و سرپرست این جمع در برابر پادشاه حبشه، بدون هیچ گونه نگرانی گفت: من آنچه را از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیده ام بدون کم و کاست، خواهم گفت. نجاشی به وی گفت: چرا از آیین نیاکان خود دست برداشته و به آیین جدید، که نه با دین ما و نه با دین اجداد شما تطبیق می کند، گرویده اید؟

او در پاسخ گفت: ما گروهی نادان و بت پرست بودیم. از مُردار اجتناب نمی کردیم. پیوسته گرد کارهای خلاف و منکر بودیم. همسایه نزد ما از هرگونه احترامی محروم بود. ضعیف، محکوم زورمندان گشته بود. با خویشاوندان خویش به جنگ برخاسته بودیم. روزگاری به این منوال بودیم تا این که یک نفر از میان ما، که سابقه درخشانی در پاکی و درستی داشت، برخاست و به فرمان خداوند، ما را به توحید فرا خواند و دستور داد در امانت کوشیده، از ناپاکی ها اجتناب ورزیم و با خویشاوندان و همسایگان خوش رفتاری کنیم.

توجه به موضوع همسایه در مصاحبه ای مهم با پادشاهی غیر مسلمان از سوی سفیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جالب توجه است. زیرا جعفر در تشریح اوضاع جاهلیت و برنامه های اصلاحی پیامبر، باید به نکاتی مهم اشاره می کرد و چون وقت تشریح تمامی مباحث نبود، باید نکات زده و موضوعات مهم تری را مطرح می نمود؛ که موضوع همسایه در دستور کارش قرار گرفت. 34

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند: آیا در مال انسان غیر از امور واجب مثل زکات و مانند آن، حقی وجود دارد؟ فرمودند: آری؛ نیکی به بستگانی که قهر کرده اند و پیوند با همسایه مسلمان.

حضرت افزودند: «مازال جبرئیل یوصینی بالجار حتی ظننتُ انه سیورّته» 35؛ آن چنان جبرئیل درباره همسایه به من سفارش نمود، تا آن جا که گمان کردم همسایه می تواند از همسایه خود ارث ببرد.»

عبدالله بن عباس گفته است: چند روز قبل از آن که رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله فراسد، آن حضرت برای ما خطبه ای ایراد فرمودند و چنان موعظه ای کردند که چشم ها پر از اشک شد و دل ها نسبت به آن تپید و بدن ها به لرزه در آمد.

از مقدمه چینی ها و تمهیدات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برمی آید که آن بزرگوار در واپسین روزهای حیات دنیوی خویش در نظر دارد برای اصحابی که از فرشتگان برترند و در جلسه ای که گروهی مؤمن، وارسته و حتی فرشتگان حضور دارند، مطالب مهمی بیان فرمایند و آنان را به مسایل و امور خطیری سفارش کرده و نصیحت فرمایند. به متن خطبه پیامبر که مراجعه می شود، ملاحظه می گردد در چهار فراز آن، حضرت در مورد همسایگان نکاتی را تذکر داده اند و اصحاب برگزیده خویش را از اذیت کردن به همسایه و سایر رفتارهایی که مجاورین آنان را ناراحت نماید، بر حذر داشته اند و به نیکی نسبت به همسایگان تأکید کرده اند.

حاتم طایی از بزرگان عرب و مردی با سخاوت بود که به همسایگان خویش خدمت می کرد و حوائج آنان را برآورده می نمود. وی قبل از آن که به شرف ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فایز گردد، درگذشت. تا سال نهم هجری، دودمان حاتم طایی تسلیم اسلام نشده بودند، در این سال، گروهی از رزمندگان به فرماندهی حضرت علی علیه السلام و با دستور پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم به سوی مقرّ این قبیله (اردن کنونی) اعزام گردیدند تا آنان را به یکتا پرستی فراخوانند. حضرت علی علیه السلام بر آن ها غلبه یافت و اسیران و غنائم را به مدینه آوردند و مقابل پیامبر قرار دادند. وقتی آن حضرت برای تماشای اسیران آمدند، دختر حاتم - که در میان آنان بود - از جای برخاست و عرض کرد:

ای فرستاده الهی! پدرم از دنیا رفته و برادرم عدی گریخته است، بر من مّنت گذار و آزادم کن و شمانت قبایل عرب را از من دور ساز. همانا پدرم بردگان را آزاد می ساخت، از همسایگان نگهبانی می نمود و به امور آنان رسیدگی می کرد و آشکارا در حوادث تلخ و ناملایمات به امداد مردم خصوصاً خویشاوندان و همسایگان - می پرداخت.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به دلیل ارج نهادن به ارزش های اخلاقی، خطاب به وی فرمود: این صفات، از خصال مسلمانان و مؤمنان است و اگر پدرت مسلمان بود، بر او رحمت می فرستادیم. سپس به اطرافیان فرمود: به پاس ارج نهادن به روش نیکوی پدرش، این دختر را آزاد سازید و به برادرش عدی تحویل دهید. وی که سفاهه نام داشت، به نزد برادر خود عدی آمد و از برخورد شایسته پیامبر سخن گفت. وی نیز به مدینه آمد و با پیامبر ملاقات کرد و اسلام آورد و از یاران با وفای حضرت علی علیه السلام به شمار آمد و در جنگ های جمل، صفین و نهروان در رکاب امیرمؤمنان علی علیه السلام از خود رشادت ها نشان داد. و همه این ها، از برکات احسان و نیکی به همسایه است.<sup>36</sup>

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام از برخی مسائل نزد پدر خویش شکوه نمود. پس از آن، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ورقه ای به دخترش مرحمت کرد و اضافه نمود: مضامین آن را فراگیر. در آن، نوشته شده بود: «هرکس به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشد همسایگان را مورد آزار قرار نمی دهد و نیز میهمان خویش را گرامی داشته و سخن نیکو می گوید یا سکوت اختیار می کند.»<sup>37</sup> از ابن مسعود روایت شده است که: مردی به خدمت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام شرفیاب شد و عرض کرد: ای دختر رسول خدا! آیا از پدرتان نزد شما چیزی باقی است؟ آن بانوی مکرم فرمود: ای کنیزک! آن چوب تر را برایم بیاور. او هم پس از تفحص بسیار، آن را یافت و به حضرت زهرا علیهاالسلام تحویل داد که در آن نوشته شده بود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که همسایه از دست او در امان نباشد، ایمان ندارد و کسی که به خدا و روز قیامت یقین دارد، به همسایه آزار نمی رساند.<sup>38</sup>

آزار نرساندن به همسایه و نیکی نمودن به او، بدین معناست که در ایجاد آرامش و آسایش برای او و اهل خانه

اش دلسوزی کنیم، در حدّ توان دشواری ها را از سر راهش برداریم، طمع به مالش نداشته و ارتباط خود را با وی براساس صفا و صمیمت بنیان نهیم. این تلاش اخلاقی و رفتار انسانی، در زندگی دنیایی ما اثر مطلوب می گذارد و موجب افزایش امید به زندگی، رهایی از آشفتگی های عصبی و منجر به رفع نیازها و شرکت در عمران و آبادانی محله می شود. و این گونه وفاق اجتماعی و تشریک مساعی توأم با برخوردهای عاطفی، موجب فزونی نعمت ها و افزایش برکات، جلب اعتماد و تقویت حُسن اطمینان همسایگان نسبت به یک دیگر خواهد شد.

البته خوش رفتاری با همسایگان نباید با مَتّ گذاری و نیکی را به رخ آنان کشیدن، توأم باشد. و خود همسایگان به خوبی در مورد رفتارهای ما قضاوت خواهند کرد. چنان چه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

«اگر همسایگانت تو را نیکوکار دانستند نیکوکاری و در غیر این صورت، بدکاری!»<sup>39</sup>

پی نوشت ها :

- 1 . ر.ک: تفسیر غریب القرآن، منسوب به زید بن علی بن الحسین(ع)، تحقیق محمد جواد الحسینی جلالی، ص 170؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج 3، ص 177 و 176؛ تفسیر القرآن الکریم، سید عبدالله شبر، ص 114؛ تفسیر المیزان، ذیل آیات 36-42 سوره نساء و لسان التنزیل، به اهتمام مهدی محقق، ص 193 و 192.
- 2 . بحارالانوار، ج 71، ص 150 و وسائل الشیعه، کتاب جهاد با نفس.
- 3 . آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، شیخ حرّ عاملی، ترجمه محمدعلی فارابی، ص 17.
- 4 . میزان الحکمه، ج 2، ص 190 و نهج الفصاحه، ص 110 و 463.
- 5 . کافی، ج 2، ص 699؛ وافی، ج 1، ص 351؛ وسائل الشیعه، ج 8، باب 90 از احکام العشرة، حدیث اول؛ المحجة البيضاء، ج 3، ص 427؛ لئالی الاخبار، تویسرکانی، ج 3، ص 7؛ ذخیره العباد، ج 3، ص 54 و مجمع الزوائد، ج 8، ص 144.
- 6 . نهج الفصاحه، ص 284؛ مجمع البیان، ج 2، ص 45 و احیاء علوم الدین، غزالی، ج 2، ص 212.
- 7 . این نکته را آیه الله محمد علی اسماعیل پور در مقاله خود آورده است. (ر.ک: آموزگار جاوید، ص 324).
- 8 . وسائل الشیعه، ج 8، باب 86، از احکام العشرة، حدیث اول.
- 9 . المحجة البيضاء، ج 3، ص 422؛ نصایح، آیه الله مشکینی، ص 130 و جامع الاخبار، ص 387.
- 10 . نهج الفصاحه، ص 281.
- 11 . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 79.
- 12 . المحجة البيضاء، ج 3، ص 422.
- 13 . کیمیای سعادت، ج 1، ص 428.
- 14 . نهج الفصاحه، ص 291.
- 15 . اصول کافی، ج 2، ص 666؛ بحارالانوار، ج 82، ص 94؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 79؛ تنبیه الغافلین، ص 106 و میزان الحکمة، ج 2، ص 195.
- 16 . حلیة المتقین، علامه مجلسی، ص 446.

- 17 . مجمع البيان، ج 7، ص 198 و سیستم اجتماعی اسلام، کوثر نیازى.
- 18 . كلمات نغز محمد(ص)، ص 9.
- 19 . كشف الغمه فى معرفة الاثمه، على بن عيسى اربلى، ج 2، ص 26 و 25 و علل الشرايع، ص 181.
- 20 . خصال صدوق، ج 1، ص 179.
- 21 . المحجة البيضاء، ج 3، (آداب الصحبة و المعاشرة)، ص 423.
- 22 . نهج الفصاحة، ص 25.
- 23 . المحجة البيضاء، ج 5، ص 125؛ الحكم الزاهره، ص 421 و كيميائى سعادت، ج 1، ص 427.
- 24 . تنبيه الغافلين، ص 106 و نهج الفصاحة، ص 573.
- 25 . نهج الفصاحة، ص 286.
- 26 . جهاد النفس، شيخ حرّ عاملى، ترجمه على صحت، ص 42.
- 27 . نهج الفصاحة، ص 27 و كلمات نغز محمد(ص)، ص 22.
- 28 . نهج الفصاحة، ص 32.
- 29 . آثار الصادقين، آية الله صادق احسان بخش، ج 2، ص 376.
- 30 . نهج الفصاحة، ص 463.
- 31 . مجموعه ورام، ج 1، ص 24.
- 32 . نهج الفصاحة، ص 14.
- 33 . نزهة النواظر، ص 23 و 45.
- 34 . فروغ ابدیت، جعفر سبحانى، ج 1، ص 315 و 314.
- 35 . سفينة البحار، حاج شيخ عباس قمى، ج 1، ص 414 و 413؛ نخبة الانوار فى هداية الابرار، مولوى همدانى، ص 77؛ تنبيه الغافلين، ص 106، نهج الفصاحة، ص 546.
- 36 . الاصابة فى تمييز الصحابه، ج 2، ص 460 و ج 4، ص 322؛ زهرالربيع، ص 89 و مجالس المؤمنين، قاضى نورالدين شوشترى، ج 1، ص 646.
- 37 . الكافى، ج 2، (باب حقّ الجوار)، ص 667؛ وافى، ج 1، ص 350 و ذخيرة العباد، جزء 3، ص 53.
- 38 . سفينة البحار، ج 1، حديث فاطمه زهرا(س).
- 39 . نهج الفصاحة، ص 24 و المحجة البيضاء، ج 3، ص 425.